39676 ـ حکم درود فرستادن بر پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ در تشهد نماز

سوال

امام در نماز تراویح خیلی سریع سلام می‌گوید و نماز را به پایان می‌رساند و فرصت تنها برای گفتن تشهد هست و پیش از آن‌که تشهد دوم (درود ابراهیمی) را بگویم سلام نماز را می‌گوید. آیا درست است که نماز را همین‌جا به پایان برسانم یا آن‌که گفتن تشهد ابراهیمی الزامی است؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

اولا:

علما دربارۀ حکم درود بر پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ در تشهد در نماز بر چند قول‌اند. برخی آن را رکن نماز دانسته‌اند که نماز بدون آن صحیح نیست و برخی آن را واجب دانسته‌اند و برخی دیگر مستحبش دانسته‌اند نه واجب.

شیخ محمد بن صالح العثیمین ـ رحمه الله ـ قول سوم را برگزیده و در شرح زاد المستقنع می‌گوید:

«درود بر پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ یعنی در تشهد پایانی که رکن دوازدهم از ارکان نماز است.

دلیلش این است که صحابه از پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ پرسیدند: ای رسول خدا، دانستیم که چگونه بر شما سلام فرستیم، اما چگونه بر شما درود بفرستیم؟ فرمود: بگویید: اللَّهُمَّ صَلِّ علی محمَّدٍ ، وعلی آل محمَّدٍ امر نیز مقتضی وجوب است و اصل در وجوب آن است که فرض است و اگر ترک شود عبادت باطل می‌شود. فقها ـ رحمهم الله ـ دلیل این مسئله را چنین تقریر کرده‌اند.

اما اگر در این حدیث تامل کنی از آن چنین برداشت نمی‌شود که درود بر پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ رکن است؛ زیرا صحابه دربارۀ کیفیت پرسیدند که چگونه درود بفرستیم؟ پس پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ آنان را راهنمایی فرمودند، برای همین می‌گوییم: امر در این سخن پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ که بگویید... دال بر وجوب نیست بلکه از روی ارشاد و آموزش است. بنابراین اگر دلیل جز این باشد که پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ امر به درود بر ایشان در نماز کرده باشد به آن استناد می‌شود و اگر دلیل جز این نباشد، باید دانست که این دال بر وجوب نیست چه رسد به آن‌که دال بر رکن بودنش باشد؛ برای همین علما دربارۀ این مسئله بر چند قول هستند:

قول نخست: این درود رکن است و این قول مشهور از مذهب [امام احمد] است و نماز بدون آن صحیح نیست.

قول دوم: واجب است اما رکن نیست و در صورت فراموشی با سجدهٔ سهو جبران می‌شود.

آنان گفته‌اند: سخن پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ که بگویید: اللهم صل علی محمد... احتمال دارد از روی ایجاب باشد و احتمال دارد که از روی ارشاد باشد و با وجود احتمال نمی‌توان آن را رکنی دانست که نماز بدون آن صحیح نباشد.

قول سوم: درود بر پیامبر ـ صلی الله علیه وسلم ـ سنت است، و واجب و رکن نیست و این روایتی از امام احمد است و اگر انسان به عمد آن را ترک کند نمازش صحیح است؛ زیرا ادله‌ای که کسانی که آن را واجب می‌دانند به آن استناد کرده‌اند و آن را رکن دانسته‌اند به شکل آشکار دال بر مذهبشان نیست و اصل بر برائت ذمه است.

این قول ـ در صورتی که دلیلی جز این دلیل که فقها رحمهم الله به آن استناد کرده‌اند وجود نداشته باشد ـ قول راجح‌تر است زیرا نمی‌توانیم عبادت را باطل و فاسد بدانیم آن هم با استناد به یک دلیل که احتمال دارد منظور از آن ایجاب باشد یا ارشاد» (الشرح الممتع: ۳/ ۳۱۰ ـ ۳۱۲).

بر این اساس نماز بدون آن صحیح است.

ثانیا:

شایسته است این امام و دیگر امامانی را که نماز تراویح را به شکل مفرط سریع می‌خوانند و اجازه نمی‌دهند کسانی که به آنان اقتدا کرده‌اند نمازشان را کامل ادا کنند را نصیحت کرد.

علما به شکل صریح گفته‌اند که شایسته است امام در نمازش تأنی و آرامش داشته باشد تا آن‌که مردم بتوانند واجبات و برخی از مستحبات را انجام دهند و مکروه است که آن‌قدر سریع نماز را ادا کند که مردم نتوانند آن را انجام دهند.

امام نووی می‌گوید:

معنای احادیث این باب واضح است ـ یعنی احادیثی که در آن امام امر به تخفیف شده است ـ و آن امر امام به تخفیف نماز است به شکلی که در سنت‌ها و مقاصد نماز اخلال نشود.

در الموسوعة الفقهية (۱۴/ ۲۴۳) آمده است:

«منظور از تخفیف یعنی آن‌که به حداقل کمال اکتفا شود و واجبات و سنت‌ها ادا شود و به حداقل اکتفا نکند و کامل‌ترین را هم انجام ندهد.

ابن عبدالبَر می‌گوید:

تخفیف [و کوتاه کردن نماز] برای هر امامی مورد اجماع است و نزد علما مستحب است، اما این تخفیف حداقل کمال است (یعنی نماز باید به اندازهٔ حداقل کمال باشد) اما حذف و نقصان، خیر... سپس می‌گوید: در میان علما دربارهٔ استحباب تخفیف برای کسی که گروهی را امامت می‌کند اختلافی نیافته‌ام اما بر اساس شرط ما یعنی کامل ادا کردن.

ابن قدامه (المغني: ۱/ ۳۲۳) می‌گوید:

مستحب است که امام قرائت و تسبیح و تشهد را مرتل [و شمرده شمرده] بگوید طوری که گمان کند کسانی که پشت سر او نماز می‌گزارند از جمله آنانی که زبانشان سنگین است آن را خوانده‌اند و رکوع و سجودش را طوری انجام دهد که مطمئن شود بزرگ و کوچک و آنانی که کند هستند انجامش داده‌اند. اما اگر چنین نکرد و به اندازه‌ای که بر او واجب است انجام داد کارش مکروه است اما از عهده‌اش انجام گرفته.

در الموسوعة الفقهية (۶/ ۲۱۳) آمده است:

عجله مکروه است، به طوری که نمازگزاران نتوانند آن‌چه را برایشان مستحب است انجام دهند، مانند سه بار گفتن تسبیح در رکوع و سجود و انجام آن‌چه در تشهد پایانی مستحب است.

شیخ ابن عثیمین ـ رحمه الله ـ در رسالة في أحكام الصيام والزكاة والتراويح می‌گوید:

«اما کاری که برخی از مردم انجام می‌دهند و با سرعت مفرط نماز می‌گذارند خلاف مشروع است و چه بسا با اخلال در یک واجب یا رکن به بطلان نماز بینجامد.

بسیاری از امامان در نماز تراویح تانی و آرامش ندارند و این خطایی از سوی آنان است زیرا امام تنها برای خودش نماز نمی‌گزارد برای برای خود و دیگری امامت می‌کند پس مانند ولی است که باید کار بهتر را انجام دهد و اهل علم بیان کرده‌اند که برای امام مکروه است چنان سریع نماز بگزارد که ماموین از انجام آن‌چه واجب است باز بمانند».

والله اعلم